

## خوانش تربیتی تاریخ بیهقی: دلالت‌هایی برای برنامه‌دستی در آموزش دانشگاهی<sup>۱</sup>

سهیلا خادمی<sup>۲</sup>، اصغر سلطانی<sup>۳</sup>، علی جهانشاهی افشار<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف اساسی پژوهش حاضر، خوانش تربیتی کتاب تاریخ بیهقی نوشته ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، به مثابه یکی از مهم‌ترین کتاب‌های مورد استفاده در آموزش دانشگاهی در حوزه علوم انسانی، از طریق شناسایی دلالت‌های آن برای برنامه‌دستی درسی دانشگاهی بوده است. تحلیل محتوای کیفی از نوع متعارف یا قراردادی به عنوان طرح پژوهش انتخاب گردید. متن مورد تحلیل، نسخه سه جلدی تاریخ بیهقی (مجلد پنجم تا دهم) بود. فرایند تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی انجام شد. نتایج پژوهش شامل شناسایی و ارائه ۳۰ دلالت از کتاب تاریخ بیهقی برای برنامه‌دستی از جمله مدیریت و نظم سازمانی و اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، اخلاق شغلی و حرفه‌ای، برنامه‌ریزی، شأن و جایگاه حرفه‌ای، هوش معنوی، هوش اجتماعی، رفتار اجتماعی، برابری طلبی، رفتار قدرشناسانه، خردورزی در امور، صداقت در رفتار، هدفمندی،

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان دلالت‌های کتاب تاریخ بیهقی برای برنامه‌دستی درسی است.

۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. ایمیل: soheila.khademi@ens.uk.ac.ir

۳. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)<sup>۳</sup>

[a.soltani@uk.ac.ir](mailto:a.soltani@uk.ac.ir) ایمیل

۴. دانشیار گروه زبان و ادبیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. ایمیل: [a.j.afshar@uk.ac.ir](mailto:a.j.afshar@uk.ac.ir)

سیاست‌ورزی، آینده‌نگری اقتصادی، تغییرپذیری، ساده‌زیستی، و امیدآفرینی است. علاوه بر این، قسمت‌هایی از تاریخ بیهقی، شامل داستان‌ها و حکایت‌هایی که از بیشترین دلالت‌های برنامه‌درسی برخوردار بودند شناسایی و به عنوان متن‌های پیشنهادی برای آموزش دانشگاهی معرفی شدند.

**کلیدواژه‌ها:** خوانش تربیتی، برنامه‌درسی، تاریخ بیهقی، کتاب دانشگاهی.

## Educational Reading of Tarikh-Beyhaqi: Implications for the Curriculum in Academic Education

Soheila Khademi<sup>1</sup>, Asghar Soltani<sup>2</sup> Ali Jahanshahi Afshar<sup>3</sup>

Received :2024-06-15, Accepted:2024-08-29

The main purpose of the current research was to read the book History of Beyhaqi written by Abulfazl Muhammad bin Hossein Beyhaqi, one of the most important books in academic education in the field of human sciences, by identifying its implications for the university curriculum. Conventional or conventional qualitative content analysis was chosen as the research design. The analyzed text was the three-volume version of Tarikh Beyhaqi (volumes five to ten). Data analysis was done through three stages open, central, and selective coding. The results of this included 30 implications from the book of Beyhaqi history for the curriculum, including management and organizational and social order, responsibility, professional and occupational ethics, planning, professional dignity and status, spiritual intelligence, social intelligence, social behavior, egalitarianism, behavior It was gratitude, wisdom in affairs, honesty in behavior, purposefulness, politics, economic foresight, changeability, simplicity, and hope. In addition, parts of Beyhaqi's history, including stories and anecdotes that had the most implications for the curriculum were identified and introduced as suggested texts for university education.

**Keywords:** Educational reading, Curriculum, Tarikh-Beyhaqi, University Textbook

---

<sup>1</sup> M.A. in Curriculum, Department of Education, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. Email: soheila.khademi@ens.uk.ac.ir

<sup>2</sup> Associate Professor, Department of Education, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.. (**Corresponding author**) Email:a.soltani.edu@uk.ac.ir

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.Email; afshar@uk.ac.ir

## مقدمه

نظام‌های آموزشی همواره در پی یافتن روش‌هایی برای ارتقای کیفیت و کارآمدتر کردن فرایند آموزش هستند و برای نیل به این مقصود برنامه‌های درسی، ماهیت، محتوا و کیفیت آن‌ها از عوامل اساسی و بنیادین به شمار می‌روند (مهرمحمدی، ۱۳۹۲). برنامه‌های درسی به عنوان قلب نظام آموزشی (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۲) در شکل‌گیری هویت علمی، فرهنگی و اجتماعی دانشجویان نقشی اساسی دارند (بهروزی‌نژاد، ۱۳۹۵) و در این بین، محتوای برنامه‌های درسی و ملموس‌ترین برآیند آن، یعنی «کتاب درسی»، شاخص‌ترین ماده آموزشی و ابزار اصلی تدریس و فعالیت‌های یادگیری است که در دانشگاه‌ها استفاده می‌شود (موکوندان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴؛ لی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳؛ سیکوراوا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱؛ آرمند و ملکی، ۱۳۹۱). بر این اساس، گزینش محتوای برنامه‌های درسی دانشگاهی به عنوان ابزار بهبود کیفیت آموزش در نظام آموزشی دانشگاهی، نیازمند استفاده از منابع غنی و باکیفیت است که پوشش‌دهنده بیشترین اهداف تعیین‌شده برنامه‌ریزان درسی در فرایند برنامه‌ریزی درسی و انتخاب محتوا باشد و بتواند نیازهای دانشی دانشجویان را بر اساس معرفت‌انباشته بشری در حوزه‌های مختلف علمی برآورده سازد. انتخاب محتوا در برنامه‌دستی یکی از چالش‌های اساسی در نظام آموزشی است. جست‌وجو، انتخاب و سنجش کیفیت محتوا در برنامه‌دستی، تأثیری مستقیم بر یادگیری‌های دانشی، توسعه مهارت‌های ضروری و بهبود نگرش‌های فراگیران دارد. محتوای مناسب در حوزه علوم انسانی نظام دانشگاهی، محتوایی است که دانشجویان را در معرض ابعاد فرهنگی، تاریخی و فلسفی قرار دهد، و بینش‌هایی را در مورد تجربیات انسانی، اخلاق و هنجارهای اجتماعی عرضه کند تا دانشجویان به درک عمیق‌تری از خلاقیت، بیان و هویت انسانی دست یابند. در زمینه توسعه مهارت‌ها، محتوای مناسب، غنی و ارزشمند، محتوایی است که بتواند تفکر انتقادی، ارتباطی و مهارت‌های حل مسئله را پرورش دهد و دانشجویان را با دیدگاه‌های متنوع درگیر سازد تا توانایی تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده را به دست آورند. علاوه بر این،

---

1. Mukundan

2. Lee

3. Sikorava

در حوزه شکل‌گیری نگرش‌ها، محتوای باکیفیت در علوم انسانی می‌تواند همدلی، بردباری و قدردانی از تنوع را تشویق نماید به گونه‌ای که دانشجویان با شناخت نقش خود در جامعه، حمایت از تغییرات مثبت را در خود پرورش دهند (دوریس<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲؛ تایدائو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹).

آموزش تاریخ به عنوان یکی از حوزه‌های محتوایی مهم در برنامه‌های درسی، با تمرکز بر حقایق تاریخی و یا نادیده گرفتن تفاسیر تاریخی خاص، بسته به شرایط سیاسی، اجتماعی یا بافت بومی و ملی جامعه، نقشی کلیدی در شکل‌دهی ادراکات دانشجویان از رخدادها و میراث تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ادبی بازی می‌کند (میگوئل رویلا<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). بنابراین، انتخاب متون باکیفیت، متقن و معتبر با پوشش گسترده موضوعات مختلف از میان انبوه متن‌های باقی مانده از گذشته بسیار اهمیت دارد. چنین انتخابی مستلزم شناسایی شاخص‌ها و ظرفیت‌های محتوایی و برجسته یک متن تاریخی است که آن را از دیگر متون هم‌ردیف خود متمایز کند و جایگاه آن را به عنوان متن منتخب برنامه درسی برای تدریس در کلاس‌های درس دانشگاهی برجسته سازد.

بسیاری از آثار مکتوب به یادگار مانده از گذشته با درون‌مایه‌هایی از آموزه‌های معرفتی، فرهنگی، اندیشه‌ورزی، هنر، سیاست، اجتماع و مانند آن، در نقش برنامه‌های درسی دانشگاهی در حوزه علوم انسانی، نیازمند بازشناسی قابلیت‌های برنامه درسی و آموزشی در کلاس‌های درسی دانشگاه هستند. در این بین، تاریخ بیهقی با ویژگی‌های منحصر به فرد، به عنوان متنی فرا ادبی - تاریخی شناخته شده است که به تأیید بسیاری از پژوهشگران حوزه تاریخ و ادبیات، علاوه بر ویژگی‌های برجسته ادبی و تاریخی، شایسته قدرشناسی و بازشناسی سایر قابلیت‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاست و حکومت‌داری، هنری، مردم‌شناسی و مانند آن به مثابه محتوایی قابل اتکاء و ارزشمند در برنامه‌های درسی دوره‌های مختلف آموزشی، از جمله برنامه‌های درسی دانشگاهی است. پژوهش حاضر با کاربست روشی نظام‌مند و کیفی، و ارائه خوانشی تربیتی - آموزشی از این کتاب، دلالت‌های اساسی آن برای برنامه‌های درسی را ارائه کرده است.

1. Doris
2. Tiedau
3. Miguel-Revilla

### پیشینه پژوهش

تاریخ بیهقی نوشته ابوالفضل بیهقی (۳۸۵-۴۷۰ ه.ق) یکی از متون پرکاربرد در آموزش دانشگاهی، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند ادبیات و تاریخ است. پژوهشگران، تاریخ بیهقی را از نظر ادبی دارای نثری ساده، روان و شیوا می‌دانند که در بردارنده ویژگی‌های نثری و بلاغی برجسته‌ای است و در عین حال، با اتکاء به توصیفات دقیق، ایجاز و اطناب‌های به‌موقع و مناسب، و استفاده از تمامی توان واژه‌ها، ترکیبات، تصاویر و خیال، دوره‌ای از تاریخ را به سبک داستانی دلنشین روایت می‌کند (گبانچی و همکاران، ۱۳۹۵؛ حاج بابایی، ۱۳۹۴؛ گلی‌زاده و گورویی، ۱۳۹۱؛ کرمی، ۱۳۸۸). تاریخ بیهقی از آن دسته متون تاریخی دوره اسلامی است که از فرهنگ سرزمین ایران در قرن پنجم هجری، تصویری به دست می‌دهد و دارای ارزش زیادی در هویت ملی ایران است (رضائی اول و دلبری، ۱۳۹۷). بیهقی این کتاب را طوری ترسیم نموده که گویی خواننده با داستانی تاریخی و پرفراز و نشیب مواجه است و در اثنای تاریخ با توانمندی ستودنی، داستان‌ها و حکایاتی دلنشین و پندآموز را نیز به شیوه عینی، در پیش چشم مخاطبان نهاده است (الهامی، ۱۳۹۹). یکی از ویژگی‌های بارز متن بیهقی، تلاش برای بیان واقعی رخدادها، و هم‌زمان استفاده از بیان روایی و داستان‌گونه با بهره‌گیری از عناصر اخلاقی در قالب بیان روایی خود است. مورخان نیز بر این شاخصه در متن‌هایی با ویژگی‌های تاریخی، تأکید می‌کنند؛ به گونه‌ای که کار مورخ را صرفاً مبهوت‌سازی خوانندگان با توصیف‌های هیجان‌انگیز نمی‌دانند، بلکه وظیفه او را قبل از هر چیز ثبت وفادارانه رخدادها آن گونه که در حقیقت روی داده‌اند قلمداد می‌کنند (کلارک<sup>۱</sup> و سیرز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). بر این اساس پژوهشگران، تاریخ بیهقی را کتابی می‌دانند که ارائه دهنده اطلاعاتی نسبتاً دقیق و قابل اعتماد است. خرافات و داستان پریان و دیوان، جایگاهی در آن ندارد و در هیچ جای آن نمی‌توان به داستانی برخورد که خرد از پذیرفتن آن در مانده گردد (رجبی ۱۳۸۳، به نقل از: طیار و همکاران، ۱۳۹۹). تاریخ بیهقی به‌مثابه متنی شناخته می‌شود که از منش ارتباطی زبان، گذشته و برای بیان معانی پنهان در پس کلمات به منش بیانگری زبان نزدیک شده است. بر این اساس، این گونه متن‌ها موقعیتی هستی‌شناسانه می‌یابند که با فرا رفتن از منش ارتباطی و ابزاری، برای فهم

1. Clark  
2. Sears

آن‌ها باید به درک معنایی پنهان در میان سطرها روی آورد (عطاردی و پورخالقی چترودی، ۱۳۹۲).

دامنه گسترده پژوهش‌ها در باب این نثر فاخر باقی مانده از قرن پنجم هجری قمری نشان از اهمیت، پرباری و همه‌جانبه بودن آن دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را متنی فرا ادبی - تاریخی در نظر گرفت که پژوهشگران حوزه‌های مختلف را به کاوش در آن از نظر گاه‌ها و رویکردهای متفاوت و تلاش برای فهم و کشف دقیق مفاهیم آن ترغیب ساخته تا جایی که به ایجاد یک باب پژوهشی ویژه به نام بیهقی پژوهشی منجر گردیده است (رضی، ۱۳۸۷؛ حسین پناهی، ۱۳۹۰؛ مدرس زاده، ۱۳۸۹). بررسی مطالعات پیشین در این حوزه نشان می‌دهد که کتاب تاریخ بیهقی توسط پژوهشگران مختلف در زمینه‌های گوناگون و با خوانش‌های مختلفی این کتاب را کاویده و بررسی کرده‌اند (الهامی، ۱۳۹۹؛ رستمی و همکاران، ۱۳۹۸؛ کامرانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ رضائی اول و دلبری، ۱۳۹۷؛ جعفری و مهدی‌پور، ۱۳۹۷؛ سنجولی و واثق عباسی، ۱۳۹۷؛ پروانه و همکاران، ۱۳۹۷؛ حسن زاده و برزگر، ۱۳۹۶؛ منشادی و اطهری، ۱۳۹۲؛ سبز علیپور و همکاران، ۱۳۹۱؛ هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹؛ قیومی بیدهندی، ۱۳۸۷؛ دلریش، ۱۳۸۸). بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر این پژوهش‌ها به حوزه ادبیات و زبان فارسی مربوط بوده است. همچنین، برخی پژوهش‌های انجام شده، مبتنی بر حقوق، سیاست و کشورداری، تاریخ، علوم اجتماعی، هنر، معماری و شهرسازی، تصویرسازی سینمایی، روان‌شناسی و ادوات نظامی بوده است.

انجام پژوهش‌های گوناگون در باب تاریخ بیهقی به تولید خوانش‌های مختلفی از آن انجامیده است که از آن میان می‌توان به خوانش‌های ادبی، تاریخی، روان‌شناختی، هنری، جامعه‌شناختی و سیاسی اشاره نمود. این خوانش‌های مختلف از تاریخ بیهقی، نشان‌دهنده ظرفیت و پتانسیل بالای این متن تاریخی در فراهم آوردن دلالت‌هایی برای برنامه درسی در دوره‌های مختلف آموزشی، از جمله آموزش دانشگاهی است. شناسایی این دلالت‌ها از میان انبوه حکایات، داستان‌ها و وقایع روایت شده در این کتاب می‌تواند این امکان را برای برنامه‌ریزان درسی فراهم آورد تا از میان این گنجینه گرانقدر دست به انتخاب بزنید و نسبت به گزینش بهترین‌ها اقدام نمایند. شناسایی این دلالت‌ها از سوی دیگر می‌تواند فراهم آورنده شاخص‌ها و ملاک‌هایی باشد که در نقش راهنمای عمل، در شناسایی دلالت‌های برنامه درسی سایر متون تاریخی و ادبی برای برنامه درسی به کار گرفته می‌شود. بر این اساس، اهداف اساسی پژوهش حاضر شناسایی و احصاء دلالت‌های

کتاب تاریخ بیهقی در حوزه‌های مختلف محتوایی و همچنین دسته‌بندی دلالت‌های احصاء شده و ارائه پیشنهادهایی برای کاربست این دلالت‌ها در کتب درسی دانشگاهی است. کتاب تاریخ بیهقی در اصل دارای بیست و چهار مجلد بوده که در حال حاضر چند مجلد از آن باقی مانده و شرح فرمانروایی و تاریخ روزگار حکمرانی شاهان غزنوی در آن گزارش شده است. بیهقی شرح حوادث را در سال ۴۰۹ هجری آغاز کرده و در سال ۴۷۰ هجری قمری در گذشته است (جعفری، ۱۳۹۲). با این حال، برخی دیگر از پژوهشگران در باب حجم و محتوای تاریخ بیهقی بر این نظر هستند که کتاب تاریخ بیهقی فراتر از آنچه امروزه در دسترس هست نبوده و در واقع بیهقی در پی طرحی کلان برای نوشتن تاریخ دوره غزنوی بوده که به دلایلی نامعلوم از انجام آن بازمانده است (حاج بابایی، ۱۳۹۴). متن مورد بررسی در پژوهش حاضر دوره سه جلدی تاریخ بیهقی است که به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر (۱۳۹۰) فراهم آمده است.

### روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی بود که نوع متعارف<sup>۱</sup> یا قراردادی آن به عنوان طرح پژوهش انتخاب شد. تحلیل محتوا به عنوان یک طرح پژوهشی تثبیت شده برای استنباط‌های منظم، معتبر و قابل تکرار از متون و سایر اشکال ارتباطی شناخته می‌شود. این یک طرح تحقیقی مناسب برای تجزیه و تحلیل داده‌های متنی است زیرا محققان را قادر می‌سازد تا به طور نظام‌مند و عینی الگوهای زبان و تصاویر مرتبط با موضوع مورد مطالعه را شناسایی و کدگذاری کنند (گال<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ ماسکی<sup>۳</sup> و دریسکو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶). تحلیل محتوای متعارف یا قراردادی که برای استخراج مضامین کتاب تاریخ بیهقی استفاده شده یک روش کیفی استقرایی است شامل تجزیه و تحلیل نظام‌مند متن مورد بررسی برای شناسایی و تفسیر الگوها، مضامین و معانی. برخلاف سایر رویکردهای تحلیل محتوا که ممکن است با نظریه‌ها یا چارچوب‌های از پیش موجود شروع شوند، تحلیل محتوای متعارف رویکردی اکتشافی دارد و به موضوعات اجازه می‌دهد از خود داده‌ها بیرون بیایند. با درگیر شدن در این

---

1. conventional  
2. Gall  
3. Maschi  
4. Drisko

فرایند، محققان از استفاده از دسته‌های از پیش تعیین شده اجتناب می‌کنند، بلکه اجازه می‌دهند مضامین و نام‌های مضامین از داده‌ها پدیدار شوند (هسیه<sup>۱</sup> و شانون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). فرایند تحلیل محتوای متعارف معمولاً شامل چهار مرحله جمع‌آوری داده‌ها، غوطه‌وری، کدگذاری و تجزیه و تحلیل موضوعی است. در مرحله اول، محقق مجموعه‌ای مرتبط و جامع از داده‌های متنی را جمع‌آوری می‌کند که با سؤال تحقیق همسو هستند. سپس با درگیر شدن در خواندن‌های مکرر، خود را در داده‌ها غوطه‌ور می‌سازد تا به درک جامعی از محتوای کلی و مضامین تکرارشونده دست یابد. از طریق مرحله کدگذاری، شناسایی مفاهیم، ایده‌ها یا کلمات کلیدی تکرارشونده که ماهیت داده‌ها را در بر می‌گیرد انجام می‌شود و در مرحله آخر، کدهای مربوط به طور نظام‌مند به هر بخش متن اختصاص داده می‌شوند که شامل خواندن دقیق، تفسیر و طبقه‌بندی داده‌هاست. کدهای مرتبط سپس به دسته‌های وسیع‌تری گروه‌بندی می‌شوند که مضامین یا الگوهای فراگیر را در داده‌ها نشان می‌دهند (براون<sup>۳</sup> و کلارک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

فرایند کدگذاری استفاده شده در این پژوهش شامل کدگذاری باز<sup>۵</sup> (شکل‌گیری مفاهیم و بیرون کشیدن مؤلفه‌های پژوهش)، کدگذاری محوری<sup>۶</sup> (فرایند ارتباط‌دهی بین مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها به صورت کلی و ارائه مؤلفه جدید)، و کدگذاری انتخابی<sup>۷</sup> (فرایند تجزیه و تحلیل، یکپارچه‌سازی و بهبود مؤلفه‌ها) بود. بدین ترتیب، ابتدا کدهای اولیه از سه مجلد تاریخ بیهیمی بازنمایی شد. سپس، براساس مشابهت مفاهیم و ویژگی‌های مشترک میان کدهای شناسایی شده، مفاهیم تکراری به طور مکرر حذف یا مفاهیم مشابه در هم ادغام شدند و این کار تا رسیدن به اشباع منطقی کدها انجام گرفت.

### یافته‌ها

از میان ۸۶۴ کد اولیه<sup>۸</sup> شناسایی شده در پژوهش، طی فرایند شناسایی کدهای باز، محوری و انتخابی، ۳۴۶ کد باز، ۱۷۵ کد محوری و در نهایت ۳۰ کد انتخابی بازنمایی گردید.

1. Hsieh
2. Shannon
3. Braun
4. Clarke
5. open
6. axial
7. selective
8. Initial codes

مبنای انتخاب و شمارش کدهای باز، جملاتی از کتاب تاریخ بیهقی بود که به نظر پژوهشگران، حاوی معانی ضمنی و آشکار برای انتخاب به عنوان یک محتوای برنامه‌درسی بود. جدول ۱، نشان‌دهنده برخی از کدهای باز به همراه مثال از متن مورد بررسی و تعداد کد در هر عنوان است. برای مثال، یکی از کدهای باز احصا شده «تأکید بر جبر و تقدیر» است. در متن تاریخ بیهقی این موضوع با عبارت‌هایی مانند این بیان شده است: «و قضای ایزد عزوجل چنان رود که وی خواهد و گوید و فرماید، نه چنانکه مراد آدمی در آن باشد که بفرمان اوست گردش اقدار و حکم او راست در راندن محنت و محنت نمودن انواع کامگاری» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۵، ص: ۵).

«هر چند این قاعده درست و راست است و ناچار است راضی بودن به قضای خدای عزوجل.» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۶، ص: ۱۵۱).

«خردمند آن است که خویشان را در قبضه تسلیم نهد و بر حول و قوت خویش و عدتی که دارد اعتماد نکند و کارش را بایزد، عزه ذکره، باز گذارد» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۹، ص: ۹۶۱).

نمونه دیگر از کدهای باز احصاء شده، «اظهار شادی» است که اینگونه در تاریخ بیهقی به تصویر کشیده شده است:

«امیر مسعود بدین نامه‌ها سخت شاد و قوی دل شد و فرمود تا آن را بر ملا بخوانند و بوق دهل بزنند» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۵، ص: ۱۵).

«و چنین روزگار کس یاد نداشت، که جهان عروسی را مانست و پادشاه محتشم بی‌منازع فارغ دل می‌رفت» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۷، ص: ۳۹۷).

«و امیر مسعود رضی الله عنه، چون دانست که غم خوردن سود نخواهد داشت، به سر نشاط باز شد.» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۹، ص: ۹۷۶).

و از دیگر مثال‌ها مربوط به کدهای باز شناسایی شده، می‌توان از «بی‌تجربگی» نام برد: «و پیداست که از سعید صراف و مانند وی چاکر پیشگان کامل ذکر کم مایه چه آید، و ترکان همی گرد چنین مردمان گردند و عاقبت ننگرند تا ناچار خلل بیفتد که ایشان را تجربتی نباشد» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۶، ص: ۲۶۷).

«ایاز بس به نام و عزیز آمده است، هر چند عطسه پدر ماست، از سرای دور نبوده است و گرم و سرد نچشیده است و هیچ تجربت نیفتاده» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۷، ص: ۴۱۴).

«برنایی مهترزاده و بخرد و نیکو روی و زیبا، اما روزگار نادیده و گرم و سرد ناچشیده، که برنایان را ناچاره گوشمال زمانه و حوادث بیاید» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۹، ص: ۹۸۸).

جدول ۱ نمونه‌ای از کدهای باز استخراج شده از متن به همراه مثال و تعداد هر کد

ردیف	نمونه از متن	نام و تعداد کد باز
۱	«حسنک گفت: سگ ندانم که بوده است، خاندان من و آنچه مرا بوده است از آلت و حشمت و نعمت جهانیان دانند. جهان خوردم و کارها راندم و عاقبت کار آدمی مرگ است، اگر امروز اجل رسیده است. کس باز نتواند داشت» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۶، ص: ۲۳۲).	تاکید بر جبر و تقدیر (۹)
۲	«امیر گفت، مبارکباد، نزدیک خواهی باید رفت و بر اشارت وی کار کرد، و در کار لشکر که مهم تر کارهاست، اندیشه باید داشت» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۶، ص: ۲۰۸).	تدبیر (۷)
۳	«و مردمان بزرگ نام بدان گرفتند که چون بر دشمن دست یافتند، نیکویی کردند که آن نیکویی بزرگتر از استخفاف باشد، و العفو عند القدرة سخت ستوده است» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۵، ص: ۵۳).	عفو (۸)
۴	«و به تعجب بماندم از حال این دنیای فریبنده که در هشت و نه سال این مرد را بر کشید و بر آسمان جاه رفت و بدین زودی بمرد و ناچیز گشت» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۹، ص: ۸۷۰).	بی‌اعتباری دنیا (۸)
۵	«و ارکان دولت و اولیا و حشم پیش آمدند و بی اندازه نثار کردند» (بیهقی، ۱۳۷۱: مجلد ۹، ص: ۸۷۲).	آداب و رسوم درباری (۱۰)
۶	«زندگانی خواهی عمید درازباد، همه بندگان سخن بر یک فصل اتفاق کرده‌ایم و با خطیب بگفته و آنچه از زبان ما بشنود با امیر بگوید» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۵، ص: ۱۸).	مشورت (۱۳)
۷	«و استادم (بونصر) در چنین ابواب یگانه روزگار بود با انقباض تمام که داشت، علیه رحمه الله و رضوانه ...» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۶، ص: ۱۹۷).	ستایش (۱۴)
۸	«و نشاطی بر پا که گفتمی در این بقعت غم نماند که همه هزیمت شد» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۷، ص: ۴۲۳).	اظهار شادی (۹)
۹	«گفتند: خوارزمشاه داد ما بداد، تا جان بزیم» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۷، ص: ۴۸۴).	وفاداری (۸)
۱۰	«و فرستاده آمد تا رأی عالی بر آن وقوف گیرد تا این مرد خائن تلبیس نداند کرد» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۸، ص: ۶۲۹).	خیانت (۹)
۱۱	«فرمان عالی را به سمع و طاعت پیش رفت» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۹، ص: ۹۴۱).	اطاعت و فرمانبرداری (۸)
۱۲	«که هارون الرشید عاقل بود غور آن دانست که چه بود» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۸، ص: ۶۴۳).	خردمندی (۱۰)
۱۳	«پیری بود نمود ساله میان آن قوم مقبول‌القول و او را حرمت داشتندی» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد ۱۰، ص: ۱۱۱۵).	احترام (۱۵)

جدول ۲، نشان‌دهنده کدهای محوری شناسایی شده بر اساس کدهای باز در مرحله قبل است. این کدها طی فرایندی از فرایند مرتبط کردن کدهای باز از طریق حذف و ادغام آنها احصاء گردید. برای مثال، از کدهای باز «احتیاط»، «پیشگیری»، «عاقبت‌نگری»، «دوراندیشی» و «تدبیر»، کد محوری «دوراندیشی» احصاء گردید و از کدهای باز «معیارهای انتخاب دوستی»، «برتری اصل بر فرع»، «اختیار تام»، و «به‌گزینی»، کد محوری «انتخاب» بازنمایی گردید.

جدول ۲ نمونه‌هایی از کدهای محوری احصاء شده بر مبنای کدهای باز

ردیف	کدهای باز	کد محوری
۱	اتحاد؛ وحدت و اتحاد	انسجام
۲	اخلاق نیک؛ بی‌اخلاقی؛ زشت‌گویی و شماتت؛ نیک‌رفتاری	اخلاق
۳	احتیاط؛ پیشگیری؛ عاقبت‌نگری؛ دوراندیشی؛ تدبیر	دوراندیشی
۴	معیارهای انتخاب دوستی؛ برتری اصل بر فرع؛ اختیار تام؛ به‌گزینی	انتخاب
۵	ارزش هنر	فن و مهارت
۶	تسریع در امور؛ کندکاری؛ سامان یافتن امور	انضباط
۷	آزمودن	ارزیابی
۸	اعتماد؛ معتمد	احساس امنیت
۹	انجام وظیفه	وظیفه‌شناسی
۱۰	برتری جای و مقام؛ حفظ جایگاه؛ رعایت حدود جایگاه؛ جایگاه سلطان؛ جایگاه‌شناسی؛ شناخت جایگاه	جایگاه طلبی
۱۱	بی‌مسئولیتی؛ مسئولیت‌پذیری	انجام وظیفه
۱۲	پرهیز از زیاده‌روی	تعادل
۱۳	تعادل	برابری
۱۴	پند و اندرز؛ تذکر؛ توصیه؛ عبرت‌آموزی	نصیحت
۱۵	تأکید بر جبر و تقدیر	سرنوشت
۱۶	ترس؛ خدا ترسی	معرفت
۱۷	حصول مراد	هدف جزئی
۱۸	خطرپذیری؛ خطرناپذیری	قدرت عمل
۱۹	رازداری	امانت‌داری
۲۰	کنش متقابل	همکاری

جدول ۳، دربرگیرنده نمونه‌هایی از کدهای انتخابی احصاء شده از کدهای محوری است. در این مرحله از بررسی و کنار هم قرارگیری کدهای محوری، ۳۰ کد انتخابی شناسایی شدند. برای نمونه، کدهای محوری «انسجام»، «اتحاد»، «سازماندهی»، «قواعد»، «انضباط»، «همکاری»، و «نظم» تشکیل‌دهنده کد انتخابی «مدیریت و نظم سازمانی و اجتماعی»، کدهای محوری «دوستی»، «مصالحه‌جویی»، و «سیاست»، برساننده کد انتخابی «سیاست‌ورزی»، کدهای محوری «سپاس»، «قدردانی»، و «اطاعت» تشکیل‌دهنده کد انتخابی «رفتار قدرشناسانه»، و کدهای محوری «میراث»، «امانت‌داری»، «پس‌انداز»، و «اقتصاد»، تشکیل‌دهنده کد انتخابی «آینده‌نگری اقتصادی» هستند. همه کدهای انتخابی برآمده از پژوهش به عنوان دلالت‌هایی از کتاب تاریخ بیهقی برای برنامه درسی، در شکل ۱ مشخص شده‌اند.

جدول ۳ برخی از کدهای انتخابی شناسایی شده بر مبنای کدهای محوری

کد انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز
مدیریت و نظم سازمانی و اجتماعی	انسجام	اتحاد؛ وحدت
	اتحاد	همدردی؛ همدلی
	سازماندهی	نظم
	قواعد	آداب و رسوم درباری
	نظم و انضباط	تسریع در امور؛ کندکاری؛ سامان یافتن امور
	همکاری	کنش متقابل
	نظم	سحرخیزی
شان و جایگاه حرفه‌ای	آراستگی	آراستگی ظاهری
	آبرو	اعاده حیثیت
	شان و شخصیت	بدنامی؛ پرهیز از بدی؛ پرهیز از بدنامی؛ نام نیک؛ تواضع؛ غرور
	شکیبایی	بردباری؛ صبر؛ صبوری؛ شکیبایی
	محبوبیت	شهرت
	عزت نفس	بلند همتی؛ مناعت طبع
	عفت	عفت و پاکدامنی
قدرشناسانه رفتار	سپاس	شکرگزاری
	قدردانی	تشکر
	اطاعت	تسلیم؛ اطاعت و فرمانبرداری

ادامه‌جدول ۳ برخی از کدهای انتخابی شناسایی شده بر مبنای کدهای محوری

کدهای باز	کدهای محوری	کد انتخابی
الزام به دوستی؛ دوستی صادقانه؛ پرهیز از دوستی دشمنی؛ دشمنی ریشه‌ای	دوستی	سیاست‌ورزی
تأکید بر صلح؛ مصلحت‌اندیشی؛ مصلحت کشور؛ مصالحه‌جویی	مصلحت‌اندیشی؛ مصلحت	
ملازمت سلطان و رعیت	سیاست	
ارث‌خواهی؛ وصیت	میراث	
رازداری	امانت‌داری	آینده‌نگری اقتصادی
غنیمت شمردن سرمایه	پس‌انداز	
گرانی	اقتصاد	



شکل ۱ کدهای انتخابی احصاء شده به عنوان دلالت‌های کتاب تاریخ بیهقی برای برنامه‌درسی دانشگاهی

در این بخش، یک نمونه از داستان‌های شناسایی شده، به همراه کدهای انتخابی که در داستان‌ها نمودار شده‌اند، ارائه شده است. کدهای انتخابی شناسایی شده در این داستان عبارت‌اند از: سیاست‌ورزی، روابط عاطفی، رفتار اجتماعی، مدیریت و نظم سازمانی و اجتماعی، تغییرپذیری، هدفمندی، رفتار قدرشناسانه، توانایی منطقی، و هویت اجتماعی.

#### نامه به قدرخان

«بسم الله الرحمن الرحيم. بعد الصدور والدعاء، خان داند که بزرگان و ملوک روزگار که با یکدیگر دوستی بسر برند و راه مصلحت سپرند وفاق و ملاطفات را پیوسته گردانند و آنگاه آن لطف حال را بدان منزلت رسانند که دیدار کنند دیدار کردنی بسزا، و اندر آن دیدار کردن شرط ممالحت را بجای آرند (سیاست‌ورزی) و عهد کنند و تکلف‌های بی‌اندازه و عقود و عهود که کرده باشند بجای آرند (روابط عاطفی) تا خانه‌ها یکی شود و همه اسباب بیگانگی برخیزد، این همه آنرا کنند تا که چون ایشان را منادی حق درآید و تخت ملک را بدرود کنند و بروند، فرزندان ایشان که مستحق آن تخت باشند و بر جایهای ایشان بنشینند با فراغت دل روزگار را کرانه کنند و دشمنان ایشان را ممکن نگرند که فرصتی جویند و قصدی کنند و بمرادی رسند.

بر خان پوشیده نیست که حال پدر ما، امیر ماضی بر چه جمله بود. بهر چه ببايست که باشد پادشاهان بزرگ را، از آن زیادت تر بود، (رفتار اجتماعی منفی) و از آن شرح کردن نباید که بمعاینه حالت و حشمت و آلت و عدت او دیده آمده است. و داند که دو مهتر باز گذشته بسی رنج بر خاطرهای پاکیزه خویش نهادند تا چنان الفتی و موافقتی و دوستی و مشارکتی بپای شد و آن یکدیگر دیدار کردن بر در سمرقند بدان نیکویی و زیبایی، چنانکه خبر آن بدور و نزدیک رسید و دوست و دشمن بدانست و آن حال تاریخ است، چنانکه دیر سالها مدروس نگرده. و مقرر است که این تکلفها از آن جهت بگردند تا فرزندان از آن الفت شاد باشند و بر آن تخمها که ایشان کاشتند، بردارند. امروز چون تخت بما رسید و کار این است که بر هر دو جانب پوشیده نیست، خرد آن مثال دهد و تجارب آن اقتضا کند که جهد کرده آید تا بناهای افراشته را در دوستی افراشته تر کرده آید تا از هر دو جانب دوستان شادمانه شوند (مدیریت و نظم سازمانی و اجتماعی) و حاسدان و دشمنان بکوری و ده دلی روزگار را کرانه کنند (رفتار اجتماعی منفی) و جهانیان را مقرر گردد که خاندانها یکی بود اکنون از آنچه بود، نیکوتر شده است. و توفیق اصلح خواهیم از ایزد، عزذکره، در

این باب که توفیق او دهد بندگان را، و ذلک بیده و الخیر کله «و شنوده باشد خان، ادام الله عزه، که چون پدر ما، رحمه الله علیه، گذشته شد، ما غایب بودیم از تخت ملک ششصد و هفتصد فرسنگ، جهانی را زیر ضبط آورده، و هر چند می‌براندیشیدیمی، ولایتهای با نام بود در پیش ما و اهل جمله آن ولایات گردن برافراشته تا نام ما بر آن نشیند و بضبط ما آراسته گردد. و مردمان بجمله دستها برداشته تا رعیت ما گردند. و امیر المؤمنین اعزازها ارزانی میداشت و مکاتبت پیوسته تا بشتاییم و بمدینه السلام رویم و غضاضتی که جاه خلافت را می‌باشد از گروهی اذتاب، آن را دریابیم و آن غضاضت را دور کنیم. و عزیمت ما بر آن قرار گرفته بود که هر اینه و ناچار فرمان عالی را نگاه داشته آید و سعادت دیدار امیر المؤمنین خویشان را حاصل کرده شود، خبر رسید که پدر ما بجوار رحمت خدای پیوست. و بعد از آن شنودیم که برادر ما، امیر محمد را اولیا و حشم در حال، چون ما دور بودیم، از گوزگانان بخواندند و بر تخت ملک نشانند و بر وی بامیری سلام کردند و اندر آن تسکین وقت دانستند، که ما دور بودیم، و دیگر که پدر ما هر چند ما را ولی عهد کرده بود بروزگار حیات خویش، درین آخرها که لختی مزاج او بگشت و سستی بر اصالت رأیی بدان بزرگی که او را بود، (تغییرپذیری) دست یافت، از ما نه بحقیقت آزاری نمود، چنانکه طبع بشریت است و خصوصاً از آن ملوک که دشوار آید ایشان را دیدن کسی که مستحق جایگاه ایشان باشد، ما را بری ماند که دانست که آن دیار تا روم و از دیگر جانب تا مصر طولاً و عرضاً همه بضبط ما آراسته گردد تا غزنین و هندوستان و آنچه گشاده آمده است برادر یله کنیم که نه بیگانه را بود تا خلیفت ما باشد و باعزاز بزرگتر داریم.

«رسول فرستادیم نزدیک برادر بتعزیت و تهنیت نشستن بر تخت ملک و پیغامها دادیم رسول را که اندران صلاح ذات البین بود و سکون خراسان و عراق و فراغت دل هزارهزار مردم. و مصرح بگفتیم که مر ما را چندان ولایت در پیش است و آن را بفرمان امیر المؤمنین می‌باید گرفت و ضبط کرد که آن را حد و اندازه نیست، همپشتی و یکدلی و موافقت می‌باید میان هر دو برادر و همه اسباب مخالفت را برانداخته باید (مدیریت و نظم سازمانی و اجتماعی). تا جهان آنچه بکار آید و نام دارد، ما را گردد (هدفمندی)، اما شرط آن است که از زرآد خانه پنج هزار اشتربار سلاح، و بیست هزار اسب از مرکب و ترکی، دو هزار غلام سوار آراسته با سازو آلت تمام، و پانصد پیل خیاره سبک جنگی بزودی نزدیک ما فرستاده آید، و برادر خلیفت ما باشد، چنانکه نخست بر منابر نام ما برند بشهرها و خطبه بنام ما کنند، آنگاه نام وی، و بر سگه درم و دینار و طراز جامه نخست نام ما نویسند

آنگاه نام وی، و قضاة و صاحب بریدانی که اخبار آنها میکنند، اختیار کرده حضرت ما باشند تا آنچه باید فرمود در مسلمانی میفرماییم، و ما بجانب عراق و بغزو روم مشغول گردیم و وی بغزنین و هندوستان، تا سنت پیغمبر ما، صلوات الله علیه، بجا آورده باشیم و طریقی که پدران ما بر آن رفته اند، نگاه داشته آید که برکات آن اعقاب را باقی ماند. و مصرح گفته آمده است که اگر آنچه مثال دادیم، بزودی آنرا امضا نباشد و بتعلل و مدافعتی مشغول شده آید، ناچار ما را باز باید گشت و آنچه گرفته آمده است مهمل ماند و روی بکار ملک نهاد که اصل آن است و این دیگر فرع، و هرگاه اصل بدست آید، کار فرع آسان باشد (رفتار اجتماعی مثبت) و اگر، فالعیاذ بالله، میان ما مکاشفتی بیای شود، ناچار خونها ریزند و وزر و وبال بحاصل شود و بدو باز گردد (سیاست ورزی) که ما چون ولی عهد پدریم و این مجاملت واجب میداریم، جهانیان دانند که انصاف تمام داده ایم.

چون رسول بغزنین رسید، باد تخت و ملک در سر برادر ما شده بود و دست بخزانها دراز کرده و دادن گرفته و شب و روز بنشاط مشغول شده، راه رشد را بندید و نیز کسانی که دست بر رگ وی نهاده بودند و دست یافته، نخواستند که کار ملک بدست مستحق افتد که ایشان را بر حدّ و جوب بدارد، و برادر ما را بر آن داشتند که رسول ما را باز گردانید. و رسولی با وی نامزد کردند با مشتی عشوه و پیغام که «ولی عهد پدر وی است وری از آن بما داد تا چون او را قضای مرگ فرارسد، هر کسی بر آنچه داریم، اقتصار کنیم. و اگر وی را امروز بر این نهاد بیه کنیم، آنچه خواسته آمده است از غلام و پیل و اسب و اشتر و سلاح فرستاده آید، آنگاه فرستد که عهدی باشد که قصد خراسان کرده نیاید، و بهیچ حال خلیفت ما نباشد، و قضاة و اصحاب برید فرستاده نیاید.

ما چون جواب برین جمله یافتیم، مقرر گشت که انصاف نخواهد بود و بر راه راست نیستند. و در روز از سپاهان حرکت کردیم، هر چند قصد همدان و حلوان و بغداد داشتیم. و حاجب غازی در نشابور شعار ما را آشکارا کرده بود و خطبه بگردانیده و رعایا و اعیان آن نواحی در هوای ما مطیع گشته، و وی بسیار لشکر بگردانیده و فراز آورده. ما امیر المؤمنین را از عزیمت خویش آگاه کردیم و عهد خراسان و جمله مملکت پدر بخواستیم با آنچه گرفته شده است از ری و جبال و سپاهان با آنچه موفق گردیم بگرفتن - هر چند بر حق بودیم چنان - بفرمان وی تا موافق شریعت باشد.

و پس از رسیدن ما به نشابور، رسول خلیفه در رسید با عهد و لوا و نعوت و کرامات، چنانکه هیچ پادشاه را مانند آن یاد نداشتند. و از اتفاق نادر سرهنگ علی عبد الله و ابو

النجم ایاز و نوشتگین خاصه خادم از غزنین اندر رسیدند با بیشتر غلام سرایی. و نامه‌ها رسید سوی ما پوشیده از غزنین که حاجب [علی] ایل - ارسلان، زعیم الحجاب و بگتغدی حاجب، سالار غلامان بندگی نموده‌اند. و بوعلی کوتوال و دیگر اعیان و مقدمان نبشته بودند و طاعت و بندگی نموده، و بوعلی کوتوال بگفته که از برادر ما آن شغل می‌نیاید، و چندان است که رایت ما پیدا آید، همگان بندگی را میان بسته پیش آیند (رفتار قدرشناسانه).

ما فرمودیم تا این قوم را که از غزنین در رسیدند، بنواختند و اعیان غزنین را جوابهای نیکو نبشتند و از نشابور حرکت کردیم. پس از عید روزه دوازده روز نامه رسید از حاجب علی قریب و اعیان لشکر که به تگیناباد بودند با برادر ما که چون خبر حرکت ما از نشابور بدیشان رسید، برادر ما را بقلعت کوهتیز موقوف کردند. و برادر علی، منگیتراک، و فقیه بوبکر حصیری که در رسیدند بهرات احوال را بتمامی شرح کردند. و استطلاع رای کرده بودند تا بر مثالها که از آن ما یابند، کار کنند.

ما جواب فرمودیم، و علی را و همه اعیان را و جمله لشکر را دلگرم کردیم (رفتار اجتماعی مثبت) و گفته آمد تا برادر را با احتیاط در قلعت نگاه دارند و علی و جمله لشکر بدرگاه حاضر آیند. و پس از آن فوج فوج آمدن گرفتند تا همگان بهرات رسیدند و هر دو لشکر درهم آمیخت و دل‌های لشکری و رعیت بر طاعت و بندگی ما بیارامید و قرار گرفت. و نامه‌ها رفت جملگی این حالها را بجمله مملکت، بری و سپاهان و آن نواحی نیز، تا مقرر گردد بدور و نزدیک که کار و سخن بکرویه گشت و همه اسباب محاربت و منازعت برخاست (توانایی منطقی). و بحضرت خلافت نیز رسولی فرستاده آمد و نامه‌ها نبشته شد بذکر این احوال و فرمانهای عالی خواسته آمد در هر بابی. و سوی پسر کاکو و دیگران که بری و جبال‌اند تا عقبه حلوان نامه‌ها فرمودیم بقرار گرفتن این حالها بدین خوبی و آسانی، و مصرح بگفتیم که بر اثر سالاری محتشم فرستاده آید بر آن جانب تا آن دیار را که گرفته بودیم ضبط کند و دیگر گیرد، تا خواب نبینند و عشوه نخرند که آن دیار و کارها را مهمل فروخواهند گذاشت (رفتار اجتماعی منفی). حاجب فاضل عم خوارزمشاه آلتونتاش آن ناصح که در غیبت ما قوم غزنین را نصیحتهای راست کرده بود و ایشان سخن او را خوار داشته، اینجا به هرات به خدمت آمد. و وی را باز گردانیده می‌آید با نواختی هر چه تمامتر، چنانکه حال و محل و راستی او اقتضا کند. و ما درین هفته از اینجا حرکت خواهیم کرد همه مرادها حاصل گشته و جهانی در هوا و طاعت ما را بیارامیده (هویت اجتماعی). و نامه توقیعی رفته است تا خواجه فاضل ابوالقاسم احمد بن الحسن را که بقلعت جنکی بازداشته

بود ببلخ آید با خوبی بسیار و نواخت، تا تمامی دست محنت از وی کوتاه شود و دولت ما با رأی و تدبیر او آراسته گردد. و اریارق حاجب، سالار هندوستان را نیز مثال دادیم تا ببلخ آید و از غزنین نامه کوتوال بوعلی رسید که جمله خزائن دینار و درم و جامه و همه اصناف نعمت و سلاح به خازنان ما سپرد و هیچ چیزی نمانده است از اسباب خلاف بحمدالله که بدان دل مشغول باید داشت.

و چون این کارها برین جمله قرار گرفت، خان را بشارت داده آمد، تا آنچه رفته است بجمله معلوم وی گردد و بهره خویش ازین شادی بردارد و این خبر شایع و مستفیض کند، چنانکه بدور و نزدیک رسد که چون خاندانها یکی است - شکر ایزد را، عز ذکره - نعمتی که ما را تازه گشت او را گشته باشد. و بر اثر ابوالقاسم حصیری را که از جمله معتمدان من است و قاضی بوظاهر تبتانی را که از اعیان قضاء است، برسولی نامزد کرده میاید تا بدان دیار کریم، حرسها الله، آیند و عهدها تازه کرده شود. منتظریم جواب این نامه را که بزودی باز رسد تا بتازه گشتن اخبار سلامت خان و رفتن کارها بر قضیت مراد، لباس شادی پوشیم و آن را از بزرگتر مواهب شمیریم، بمشیت الله عزوجل و اذنه.

و این نسخت بدست رکابداری فرستاده آمد سوی قدر خان، که او زنده بود هنوز و پس ازین بدو سال گذشته شد. و هم برین مقدار نامه یی رفت بر دست فقیهی چون نیم رسولی بخلیفه، رضی الله عنه. و پس از آنکه این نامه ها گسیل کرده آمد، امیر حرکت کرد از هرات روز دوشنبه نیمه ذی القعدة این سال بر جانب بلخ بر راه بادغیس و گنج روستا با جمله لشکرها و حشمتی سخت تمام. و خوارزمشاه آلتونشاش با وی بود، اندیشمند تا در باب وی چه رود» (بیهقی، ۱۳۹۰: مجلد پنجم، ۶۴-۶۹).

### بحث و نتیجه گیری

اهداف اساسی پژوهش حاضر، شناسایی و احصاء دلالت‌های کتاب تاریخ بیهقی در حوزه‌های مختلف محتوایی و همچنین دسته‌بندی دلالت‌های احصاء شده و ارائه پیشنهادهایی برای کاربرست این دلالت‌ها در کتب درسی دانشگاهی بود. بر این اساس، در نهایت ۳۰ کد انتخابی به عنوان دلالت‌های مهم کتاب تاریخ بیهقی برای برنامه درسی شناسایی گردید که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: مدیریت و نظم سازمانی و اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، اخلاق شغلی و حرفه‌ای، برنامه‌ریزی، شأن و جایگاه حرفه‌ای، هوش معنوی، هوش اجتماعی، رفتار اجتماعی، برابری طلبی، رفتار قدرشناسانه، خردورزی در

امور، صداقت در رفتار، هدفمندی، سیاست‌ورزی، آینده‌نگری اقتصادی، تغییرپذیری، ساده‌زیستی، و امیدآفرینی. با توجه به این دلالت‌های احصاء شده از سه مجلد کتاب تاریخ بیهقی، ۱۳ داستان و حکایت شناسایی گردید که بیشترین بازنمایی از این دلالت‌ها را در خود دارند. این داستان‌ها از مجلد‌های مختلف تاریخ بیهقی و شامل «فرو گرفتن حاجب علی»، «نصیحت بونصر به امیر»، «ذکر بقیه احوال امیر محمد»، «نامه به قدر خان» و «نامه امیر به آلتون‌تاش» (از مجلد پنجم)؛ «قصه نصر احمد در علاج خشم خود»، «قصه خیشخانه هرات»، «وضع طاهر دبیر»، «رقابت او با بونصر»، «پیغام‌های امیر باحمد حسن در باب وزارت»، «احمد در دیوان وزارت»، «واقعه بوبکر حصیری»، «حکایت افشین و بودلف»، «ذکر بر دار کردن حسنگ»، «آوردن حسنگ را به دیوان»، «قصه عبدالله زبیر» و «تسلیم شدن غازی» (از مجلد ششم)؛ «فرو گرفتن امیر یوسف»، «پسران بوالقاسم نوکی در دیوان رسالت»، «ذکر احوال بوسهل محمد بن حسین زوزنی عارض و فرو گرفتن او»، «داستان ملنجوق نقل از احمد عبدالصمد»، «داستان بزرجمهر» و «داستان احمد حسن بوالقاسم کثیر» (از مجلد هفتم)؛ «انتخاب بوسهل حمدوی به کدخدائی ری»، «اندیشیدن بونصر از ترکمانان»، «تفضیل هدیه علی عیسی بهرون»، «رای زدن امیر با خواجه بونصر مشکان»، «حادثه امیر در رود هیرمند»، «قاضی بست»، «داستان هرون الرشید با دو زاهد» (از مجلد هشتم)؛ و «شرح احوال علی قهندزی» (از مجلد نهم) هستند.

داستان‌های ارائه شده به برنامه‌ریزان درسی و مدرسان دانشگاه در رشته‌های مختلف علوم انسانی این امکان را می‌دهد که متناسب با موضوعات مختلف در سرفصل‌های برنامه درسی، فهمی عمیق‌تر از روزگار گذشته، ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها در طول زمان، هویت ملی و فرهنگی، شناخت اصالت و ارزش‌های جوامع روزگار گذشته و کسب تجربه از گذشتگان را در اختیار دانشجویان قرار دهند. از طریق مطالعه و بهره‌گیری از این داستان‌ها در موقعیت‌ها و موضوعات گوناگون نظیر ادیان، جنگ، زبان، آداب و رسوم، اقتصاد، و سیاست می‌توان الگوها و راهبردهای مؤثری برای مواجهه با چالش‌های آینده به دانشجویان ارائه داد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود متخصصان و طراحان برنامه درسی، اعضای هیئت علمی و مدرسان دروس علوم انسانی در دانشگاه‌ها، از داستان‌های زیر با کدهای انتخابی بازنمایی شده در آن‌ها، در برنامه درسی و سرفصل دروس خود استفاده نمایند. در این راستا، پیشنهادهای مشخص زیر برای رشته‌ها و دروس مختلف علوم انسانی در دانشگاه‌ها ارائه می‌گردد:

- با توجه به کدهای انتخابی احصاء شده در داستان «نامه به قدرخان» (سیاست-ورزی، روابط عاطفی، رفتار اجتماعی منفی، مدیریت و نظم سازمانی و اجتماعی، رفتار اجتماعی مثبت، تغییرپذیری، هدفمندی، رفتار قدرشناسانه، توانایی منطقی، و هویت اجتماعی)، این داستان به عنوان یک مکمل برنامه درسی در کتب درسی دانشگاهی علوم اجتماعی و علوم سیاسی قابل استفاده است.

- پیشنهاد می‌شود با بهره‌گیری از کدهای موجود در داستان «واقعه بوبکر حصیری» (رفتار اجتماعی منفی، رفتار اجتماعی مثبت، دینداری، برنامه‌ریزی، اخلاق شغلی و حرفه‌ای، محرک، توانایی کلامی، برابری طلبی و صداقت در رفتار)، این داستان به عنوان یک متن آموزشی برای ارتقاء برابری، صداقت در رفتار و غیره به دانشجویان در کلاس درس ارائه گردد.

- پیشنهاد می‌شود با توجه به کدهای انتخابی در داستان «واقعه افشین و بودلف» (مسئولیت‌پذیری، رفتار اجتماعی منفی، صداقت در رفتار، اخلاق شغلی و حرفه‌ای، رفتار قدرشناسانه و برنامه‌ریزی) این داستان به عنوان یک متن آموزشی برای ارتقاء مسئولیت‌پذیری، رفتار قدرشناسانه و برنامه‌ریزی به دانشجویان ارائه شود.

- پیشنهاد می‌شود با توجه به کدهای انتخابی در داستان «هرون الرشید با دو زاهد» (محرک، رفتار اجتماعی منفی و برنامه‌ریزی)، این داستان به عنوان یک متن آموزشی برای کاهش رفتار اجتماعی منفی و ارتقاء محرک و برنامه‌ریزی به دانشجویان در کلاس درس ارائه شود.

- پیشنهاد می‌شود با توجه به کدهای انتخابی در داستان «بزرگمهر» (دینداری، رفتار اجتماعی مثبت، شأن و جایگاه حرفه‌ای، صداقت در رفتار، رفتار اجتماعی منفی، مدیریت و نظم سازمانی و اجتماعی، اخلاق شغلی و حرفه‌ای، امیدآفرینی، مسئولیت‌پذیری، برنامه‌ریزی و عاقبت به خیر شدن)، متن این داستان به عنوان یک مکمل به کتب درسی ادبیات فارسی و تاریخ افزوده گردد.

- پیشنهاد می‌شود با توجه به کدهای انتخابی داستان «حادثه امیر در رود هیرمند» (مسئولیت‌پذیری، سیاست‌ورزی، صداقت در رفتار، خردورزی در امور، هدفمندی، رفتار اجتماعی مثبت و رفتار اجتماعی منفی)، متن این داستان به عنوان یک مکمل به کتب درسی تاریخ و ادبیات فارسی افزوده شود.

- با توجه به اینکه این پژوهش بر روی سه مجلد کتاب تاریخ بیهقی انجام گرفته

است، پیشنهاد می‌گردد سایر آثار تاریخی مشابه مانند سیاست‌نامه، کلیله و دمنه، و قابوس‌نامه نیز با روش به کار گرفته شده در این پژوهش بررسی، و دلالت‌های آن‌ها برای برنامه‌دستی شناسایی گردد.

## منابع

- آرمند، محمد و ملکی، حسن (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر شیوه‌ی طراحی و تألیف کتاب درسی دانشگاهی*. تهران: سمت.
- الهامی، فاطمه (۱۳۹۹). «بررسی داستان «افشین و بودلف» در تاریخ بیهقی بر مبنای ساختار نمایشنامه». *پژوهشنامه ادبیات داستانی، دانشگاه رازی*. دوره نهم، شماره ۴، ص ۲۱-۴۰.
- بهروزی‌نژاد، سعیده (۱۳۹۵). *تبیین و مقایسه مطالبات دبیران، والدین و دانش‌آموزان از برنامه‌دستی درسی تاریخ دوره دوم متوسطه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- جعفری، ناهید (۱۳۹۲). «نامه و نامه‌نگاری در تاریخ بیهقی». *بهارستان سخن*، ۹(۲۲)، ۱۶۵-۱۸۸.
- حاج بابایی، محمدرضا (۱۳۹۴). «تاریخ بیهقی، کتابی از میان رفته یا آرزویی شکل نگرفته (نظریه‌ای درباره‌ی حجم و محتوای تاریخ بیهقی)». *متن پژوهشی ادبی*، ۱۹(۶۳)، ۳۳-۵۴.
- حسین پناهی، فردین (۱۳۹۰). «بررسی تقابل حقیقت و واقعیت در تاریخ بیهقی بر مبنای تحلیل گفتمان». *جستارهای ادبی*، ۲، ۹۹-۱۲۲.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۳). «تاریخ بیهقی معتمدترین سند تاریخ غزنویان». *گنجینه اسناد*، ۵۴، ۸۴.
- رضائی اول، مریم و دلبری، حسن (۱۳۹۷). «بررسی همسنگ‌نامه‌های تاریخ بیهقی با نامه‌های عتبه‌الکتبه و التوسل الی الترسل». *نشریه نشرپژوهی ادب فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان*.
- رضی، احمد (۱۳۸۷). *بیهقی پژوهشی در ایران*. تهران: انتشارات حق شناس.
- طیار، سید مهدی؛ گلندی گلشاهی، طواق؛ زارع، غلامعلی و تسلیمی، صفا (۱۳۹۹). «محوارات سیاسی سلطان مسعود غزنوی با درباریان در تاریخ مصور بیهقی». *هنر اسلامی*، ۱۷(۳۹)، ۲۴۵-۲۶۳.
- عطاردی، سمیه و پورخالقی چترودی، مهدخت (۱۳۹۲). «تحلیل جنبه‌های ادبی تاریخ بیهقی بر اساس نظریه «والتر بنیامین»». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۳۱، ۱۰۹-۱۳۰.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۹۲). *برنامه‌دستی به سوی هویت‌های جدید شرحی بر نظرات معاصر برنامه‌دستی*. تهران: آیتز.
- کامرانی، لیلیا؛ عادل‌زاده، پروانه و پاشایی فخری، کامران (۱۳۹۹). «هویت ایرانی در داستان‌ها و استعاره‌های تاریخ مصور بیهقی از دوره غزنویان». *نشریه مطالعات هنر اسلامی*، دوره هفدهم، ۳۳۵-۳۲۲.
- کرمی، محمدحسین (۱۳۸۸). «تبیین نکته‌هایی از تاریخ بیهقی (متن‌شناسی تاریخ بیهقی)». *پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی*، ۱(۲)، ۱۱-۳۶.
- گبانچی، نسرین؛ داراب‌پور، عیسی، و گلی‌زاده، پروین (۱۳۹۵). «پژوهشی در ساختار روانی شخصیت حسنک وزیر و بوسهل زوزنی در تاریخ بیهقی». *یازدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب پارسی، دانشگاه گیلان، شهریور ۱۳۹۵*.

- گلی‌زاده، پروین و گورویی، رضا (۱۳۹۱). تحلیل سبک‌شناسی تاریخ بیهقی بر مبنای ترکیبات اشتقاقی. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۵(۴)، ۲۷۵-۲۹۲.
- مدرس‌زاده، عبدالرضا (۱۳۸۹). «تاریخ بیهقی و پژوهش‌های ادبی». مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا، ۱(۲)، ۱۲۳-۱۳۲.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in qualitative research. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Clark, P., & Sears, A. (2017). Fiction, history and pedagogy: A double-edged sword. *Journal of Curriculum Studies*, 49(5), 620-639.
- Doris, Z. (Ed.). (2022). *Does higher education teach students to think critically?* OECD Publishing.
- Gall, M. D., Gall, J. P., & Borg, W. R. (2007). *Educational research: An introduction*. Pearson.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288.
- Lee, S.M. (2013). "The Development of Evaluation Theories for Foreign Language Textbooks". *Journal of Pan-Pacific Association of Applied Linguistics*, 17(2).
- Maschi, T. I. N. A., & Drisko, J. W. (2016). *Content analysis, pocket guides to social work research methods*. Oxford University Press.
- Miguel-Revilla, D. (2022). What is history education good for? A comparative analysis of students' conceptions about the relevance of history. *Journal of Curriculum Studies*, 54(1), 70-84.
- Mukundan, J. (2014). "Evaluation of Malaysian primary English language textbooks". *Advances in Language and Literary Studies*, 5(5), 5-9.
- Tiedau, U. (2019). Curriculum, Higher Education, Humanities. In: Schintler, L., McNeely, C. (eds.) *Encyclopedia of Big Data*. Springer, Cham. [https://doi.org/10.1007/978-3-319-32001-4\\_49-2](https://doi.org/10.1007/978-3-319-32001-4_49-2)